



نقش روحانیت در هدایت نهادهای اجتماعی

پدیدآورده (ها) : ظهیری، مجید

علوم اجتماعی :: پژوهش های اجتماعی اسلامی :: فروردین و اردیبهشت 1391 -

شماره 93

از 57 تا 70

آدرس ثابت : <http://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/957935>

دانلود شده توسط : مرکز مدیریت حوزه های علمیه-کتابخانه ایت الله بروجردی

تاریخ دانلود : 29/04/1395

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه [قوانین و مقررات](#) استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



پایگاه مجلات تخصصی نور

www.noormags.ir

نقش روحانیت در هدایت نهادهای اجتماعی*

□ سید مجید ظهیری^۱

چکیده

حوزه و روحانیت رسالت ویژه‌ای در قبال هدایت جامعه و هنجارسنجی و هنجارآفرینی اجتماعی و نظارت بر کارکرد دینی نهادهای جامعه‌ی دینی دارد و بر همین اساس باید با اتخاذ روش‌های روزآمد و کاربردی و مجهز شدن به ابزارها و ساختارهای منطبق و ملائم با هر عصر، ارتباط خود با نهادهای اجتماعی را پویا و اثربخش نگه داشته و برآیند هنجارهای اجتماعی را به سمت تعالی و کمال سوق دهد. اگر به مشترکات تعاریف جامعه‌شناسان از نهاد اجتماعی توجه شود. در جامعه‌ی دینی نهادهای آموزشی، فرهنگی و مردمی از دانشگاه گرفته تا آموزش و پرورش و صدا و سیما و مطبوعات و سایر رسانه‌ها، همچنین پایگاه‌های مذهبی، مساجد و تکایا را شامل می‌شود. روحانیت به‌عنوان هادیان و مبلغان و مروجان هنجارهای دینی و معین‌کننده‌ی مرزهای خطا و صواب در عرصه‌های مختلف عمل جمعی در جامعه‌ی دینی با همه‌ی موارد پیش‌گفته در ارتباط هستند. در این مقاله جهت تعیین بحث به

شناخت نقش روحانیت در هدایت نهادهای اجتماعی، سه حوزه‌ی نهادی ذیل در دستور کار قرار داده شده است:

۱) نهادهای آموزشی؛

۲) رسانه‌ها؛

۳) پایگاه‌های مذهبی.

در هر یک از سه حوزه‌ی نهادی فوق نظام تربیتی ذیل دنبال شده است:

۱) معرفی آن حوزه‌ی نهادی؛

۲) شناخت شوون روحانیت در آن حوزه و ذکر بایدها؛

۳) بررسی آسیب‌های موجود در رابطه‌ی روحانیت و حوزه‌ی نهادی مورد

بررسی.

واژگان کلیدی: روحانیت، نهاد اجتماعی، رسانه، پایگاه مذهبی، نهاد آموزشی، نهاد فرهنگی.

مقدمه

حوزه و روحانیت از دیرباز در جامعه‌ی دینی ما نقش‌های اساسی ایفا نموده‌اند و نهادهای اجتماعی از نهادهای آموزشی، فرهنگی همچون آموزش و پرورش و دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی تا رسانه‌ها و پایگاه‌های مردمی، همچون مساجد و تکایا همواره از حوزه و روحانیت بهره‌مند بوده‌اند. همچنان که در طول تاریخ نهادهای اجتماعی تغییرات کمی و کیفی پیدا می‌کنند و به خصوص در عصر حاضر که از پیچیدگی‌های ابزار و ساختاری خاصی برخوردار شده‌اند، نقش و تأثیر روحانیت و نحوه‌ی ارتباط و اثرگذاری و همچنین میزان کمی و کیفی آن دستخوش تغییر می‌شود. لذا حوزه و روحانیت براساس رسالت ویژه‌ای که در قبال هدایت جامعه و هنجارسنجی و هنجارآفرینی اجتماعی و نظارت بر کارکرد دینی نهادهای جامعه‌ی دینی دارد با اتخاذ روش‌های روزآمد و کاربردی و مجهز شدن به ابزارها و ساختارهای منطبق و ملائم با هر عصر ارتباط خود با نهادهای اجتماعی را پویا و اثربخش نگه داشته و برابند هنجارهای اجتماعی را

به سمت تعالی و کمال سوق می‌دهد. این که رهبر معظم انقلاب در دیدار با اعضای جامعه‌ی مدرسین حوزه‌ی علمیه قم به صراحت فرمودند: «من بخشی از نقایص موجود در مسائل فرهنگی به ویژه صدا و سیما و آموزش و پرورش را متوجه روحانیت و حوزه‌ی علمیه می‌دانم، زیرا وظیفه‌ی جهت‌دهی صحیح فرهنگی و منطبق با ارزش‌ها و اعتقادات دینی برعهده‌ی روحانیت و حوزه‌ی علمیه است» (پایگاه اطلاع رسانی رهبری، ۱۳۸۹/۸/۱) گواه بر رسالت سنگین روحانیت در قبال هنجارهای اجتماعی و سمت و سوی حرکت ارزشی نهادهای آموزشی و فرهنگی و رسانه‌ها در جامعه‌ی دینی است.

رهبر فرزانه انقلاب، در همین دیدار، ضمن تأکید بر تقویت ارتباط با مردم، بررسی شیوه‌های جدید ارتباط و ایجاد اتاق فکر و نواندیشی را از دیگر مسائل ضروری برای جامعه‌ی مدرسین حوزه‌ی علمیه‌ی قم برشمردند و فرمودند: «حوزه‌ی علمیه، به عنوان قلب روحانیت شیعه، می‌تواند ظرفیت گسترده‌ای برای نظام اسلامی در خصوص مسائل رسانه‌ای، آموزش و پرورش و تربیتی فراهم کند» (همان).

مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی

درباره‌ی نهاد اجتماعی

ماهیت نهاد اجتماعی و نحوه‌ی ظهور و بروز و منشأ آن موضوعی است که جامعه‌شناسان معروف جهان، جملگی بدان توجه داشته و به شکل متنوع و توأم با اختلاف نظر بدان پرداخته‌اند.

برخی همچون دورکیم ماهیت نهاد اجتماعی را به منشأ آن پیوند زده و نهاد را به همه‌ی عقاید و شیوه‌های رفتاری اطلاق می‌کند که اجتماع نهاده و یا تأسیس کرده باشد (دورکیم، ۱۳۶۲، ۱۹). از نظر تالکوت پارسونز وقتی افراد یک جامعه رفتار خود را براساس معیارها و ضوابط در نظر می‌گیرند، نقش‌های اجتماعی خود را ایفا می‌کنند. بدین ترتیب آنچه را که نهاد اجتماعی می‌نامیم،

مجموعه‌ای است از نقش‌های اجتماعی کم و بیش پایدار، ولی وقتی در درون یک نهاد اجتماعی، و یا حتی یک جامعه، نظام ارزش‌ها و ضوابط اجتماعی از هم پاشیده شود، آنچه را که امیل دورکیم بی‌هنجاری می‌نامد به وجود می‌آید. بدین ترتیب در هر جامعه‌ای دو وضع کاملاً افراطی ممکن است پدید آید؛ یکی وقتی است که نهادهای اجتماعی به قوت خود باقی مانده و معیارها و ضوابط هنوز بر رفتار و کردار مردم حاکم‌اند و دیگر وقتی که نظام ارزش‌ها مضمحل شده و شرایط نابهنجار یا بی‌هنجاری پدیدار می‌شود (ادیبی و انصاری، ۱۳۵۵، ۷۸-۷۹). مندراس نهادهای اجتماعی را مجموعه هنجارها و نقش‌هایی می‌داند که قانونیت یا عدم قانونیت هر چیزی را در یک سازمان اجتماعی تعیین می‌کند. این مفهوم گاه در معنای وسیع به خود سازمان اجتماعی هم اطلاق می‌شود (مندراس، ۱۳۵۴، ۳۳۵). و گاهی به پدیده‌ی ازدواج هم، چون مجموعه‌ای از هنجارهاست، می‌توان عنوان نهاد اجتماعی اطلاق کرد. به عبارت دیگر، ازدواج، مجموعه‌ای از قواعد نهادهای حاکم بر روابط زن و شوهر است (همان، ۱۷۱) و نرم یا هنجار هنگامی در کار است که افراد گروه نتوانند زیر پا گذاشتن آن را تحمل کنند و آماده‌ی کیفر دادن خطاکار باشند (همان، ۱۶۷) و همین پذیرش عمیق باطنی هنجارها سبب می‌شود که تغییر دادن آنها و یا قبول هنجارهای دیگر دشوار گردد (همان، ۱۷۱). (ر.ک: علی بابایی، ۱۳۷۸، ۱۱۰-۱۱۶).

به این ترتیب اگر به مشترکات تعاریف جامعه‌شناسان از نهاد اجتماعی توجه شود، در جامعه‌ی دینی نهادهای آموزشی، فرهنگی و مردمی، از دانشگاه گرفته تا آموزش و پرورش و صدا و سیما و مطبوعات و سایر رسانه‌ها، همچنین پایگاه‌های مذهبی، مساجد و تکایا را شامل می‌شود.

روحانیت به عنوان هادیان و مبلغان و مروجان هنجارهای دینی و معین‌کننده‌ی مرزهای خطا و صواب در عرصه‌های مختلف عمل جمعی در جامعه‌ی

دینی با همهی موارد پیش گفته در ارتباط هستند.

گواه سخن فوق نکاتی است که نه نفر از اعضای جامعه‌ی مدرسین حوزه‌ی علمیه‌ی قم، در محضر رهبر انقلاب، حضرت آیت‌الله خامنه‌ای (مدظله) ارائه نمودند (پایگاه اطلاع رسانی رهبری، ۱۳۸۹/۸/۱) که محورهای اصلی آن موارد ذیل را دربرمی‌گیرد:

- ۱) مسائل فرهنگی و لزوم رعایت بیش از پیش شوؤونات و ارزش‌های اسلامی در جامعه؛
 - ۲) توجه بیشتر به فرهنگ انقلاب اسلامی و کلام امام علیه السلام در اظهار نظرهای برخی افراد؛
 - ۳) لزوم تدوین مبانی علمی ولایت فقیه، به ویژه مباحث امام علیه السلام برای تدریس در حوزه‌ها؛
 - ۴) ضرورت مقابله با عرفان‌های کاذب و فرقه‌های انحرافی و پاسخ‌گویی مستدل و علمی به شبهات مطرح شده؛
 - ۵) اهمیت برنامه‌های صدا و سیما در فرهنگ سازی جامعه و تأثیر آن بر جهت‌گیری فکری جوانان و خانواده‌ها؛
 - ۶) تدوین پاسخ‌های عمیق علمی و فکری برخاسته از کتاب و سنت به مباحث علوم انسانی؛
 - ۷) حضور جدی‌تر حوزه در صحنه‌ی بین‌المللی؛
 - ۸) احیای نظام تدریس و تدریس همگانی در حوزه.
- جهت تعیین بحث به شناخت نقش روحانیت در هدایت نهادهای اجتماعی، سه حوزه‌ی نهادی ذیل را در دستور کار قرار می‌دهیم:

۱) نهادهای آموزشی؛

۲) رسانه‌ها؛

۳) پایگاه‌های مذهبی.

در هر یک از سه حوزه‌ی نهادی فوق نظام تربیتی ذیل دنبال خواهد شد:

۱) معرفی آن حوزه‌ی نهاد؛

۲) شناخت شوون روحانیت در آن حوزه و ذکر بایدها؛

۳) بررسی آسیب‌های موجود در رابطه‌ی روحانیت و حوزه‌ی نهادی مورد

بررسی.

نهادهای آموزشی

اهمیت نهادهای اجتماعی آموزشی، پژوهشی و پرورشی در توسعه‌ی فرهنگی و اجتماعی کشور و جایگاه این نهادها در تنظیم اخلاق، هنجارها و باورهای ارزشی و تنظیم سبک زندگی افراد جامعه بر مداری ایدئولوژیک بر کسی پوشیده نیست. از این روی هدایت این گونه نهادها و ویژگی‌های هادیان در این حوزه از اهمیت خاصی برخوردار است.

رهبر انقلاب اسلامی با تأکید بر این که آموزش و پرورش مرکزی بسیار مهم و فرهنگی و به خلاف سایر نهادهای اجتماعی از جمله صدا و سیما، مسائل آن غیر آشکار است، خاطر نشان نموده‌اند: روحانیت و حوزه‌ی علمیه در این شبکه‌ی عظیم فرهنگی و تربیتی وظیفه‌ای مهم و حساس دارند و باید نیروهایی را تربیت کنند که توانایی تأثیرگذاری و جهت‌دهی صحیح فرهنگی در آموزش و پرورش را داشته باشند (۱/۸/۱۳۸۹).

اسلام در همه‌ی موارد ذیل، که اهم مسائل نهادهای آموزشی است، رهنمودهایی انسان‌ساز دارد:

۱) فضیلت تعلیم و تعلم؛

۲) آداب تعلیم و تعلم؛

۳) مدیریت در تعلیم و تعلم؛

۴) رابطه‌ی تزکیه و اخلاق با تعلیم و تعلم؛

۵) تقدم اصلاح مربی بر مربی؛

۶) نقش عمل در تعلیم و تعلم (رابطه متقابل علم و عمل)؛

۷) تأثیر نیت مربی و مربی در فرایند آموزش؛

و بسیاری موارد دیگر (رک: بهمنش، ۱۳۸۲، ۸۳-۹۴).

اگر بخواهیم کاربردی‌تر به قضیه نگاه کنیم و آموزش در جامعه را «فرایند راهنمایی تجربه‌های انسانی» بدانیم، نهادهای اجتماعی آموزشی با عناصری از قبیل ماهیت راهنمایان، کیستی شخصیتی راهنموده‌ها، نتایج مورد نظر از راهنمایی، مواد راهنمایی و روش راهنمایی روبرو هستند (آریان‌پور، ۱۳۸۰، ۷۶۳). از این رو کارویژه‌ی روحانیت و حوزه در هدایت این نهاد اجتماعی چند زمینه را دربرمی‌گیرد:

۱) موضوع نهادهای آموزشی؛

۲) هدف نهادهای آموزشی؛

۳) مواد مورد استفاده این نهادها؛

۴) روش‌های مورد استفاده‌ی نهادهای آموزشی؛

۵) محیط‌های آموزشی.

رسانه‌ها

نسبت ارزش‌های اخلاقی مذهبی و کنش‌های اجتماعی ضمن این که موضوعی به غایت مهم است، موضوع متغیری نیز هست. در بعضی مواقع و شرایط، کنش‌های اجتماعی افراد تحت تأثیر و در جهت ارزش‌ها شکل می‌گیرد. در مقابل ممکن است تحت شرایط دیگری کنش‌های اجتماعی با ارزش‌ها ناسازگار باشد. این مسأله در مورد ارزش‌های اخلاقی مذهبی نیز صادق است. با توجه به این موضوع می‌توان رابطه‌ی بین ارزش‌های اخلاقی مذهبی و کنش‌های اجتماعی را

در پیوستاری دوقطبی نشان داد. در یک سر طیف سازگاری کامل بین ارزش‌ها و کنش‌ها و در طرف دیگر تعارض کامل آنها قرار دارد. میان آن دو نیز اشکال مختلفی قابل تشخیص و تفکیک است. پرسشی که در این جا مطرح می‌شود این است که تحت چه شرایط اجتماعی بین ارزش‌های اخلاقی مذهبی و کنش‌های اجتماعی تعارض به وجود می‌آید؟ به عبارت دیگر چرا کنش‌گران کنش‌هایی متعارض با ارزش‌های اخلاقی مذهبی که قبول دارند انجام می‌دهند؟ (توسلی، ۱۳۸۳، ۵).

رسانه‌ها نماینده و سازنده‌ی گرایشان فکری، عاطفی و ارزشی جامعه هستند که به سه شکل دیداری، شنیداری و مکتوب ظهور و بروز دارند. محتوای رسانه که مجموعه‌ی اطلاعات نوشتاری، دیداری و شنیداری است با توجه به عواملی همچون فرهنگ مخاطب، سطح تحصیلات و نوع رخدادهای اجتماعی در جامعه مورد توجه و تأثیرگذاری قرار می‌گیرد. مقبولیت و بقای رسانه‌ها در میان مردم وابسته به نوع و میزان باورها، ارزش‌ها، هنجارها و مطالبات واقعی آنها در جامعه است و در صورت کارکرد صحیح و عمل بر مدار هدایت درست می‌توانند مانند دانشگاهی عظیم هنجارساز باشند و مانع از آسیب‌های ناهنجار گردند. در عین حال بی‌توجهی رسانه‌ها می‌تواند موجب وقایع و بحران‌هایی گردد که جبران آن در مدت زمان کم و به راحتی ممکن نباشد. پس رسانه‌ها مانند تیغ تیز آثاری مثبت و ارزنده یا منفی و نگران‌کننده دارند و هرگاه در اختیار ساختارهای متعهد و متکی بر ارزش‌ها و هنجارها در جامعه قرار گیرند، آثار مثبت و اثربخش در جامعه بر جای خواهند گذاشت. اگر اطلاع‌رسانی، تبلیغات و آموزش را محور عمده‌ی کار رسانه‌ها بدانیم، فرهنگ‌سازی و صیانت از ارزش‌های جامعه نیز یکی از مسؤولیت‌های اصلی رسانه است. رسانه را می‌توان به عنوان ناظر در فرایندهای نظارتی نقش داد تا در این رهگذر با اثربخشی بیشتر به رصد و

شناخت موانع و مشکلات پیردازند و با انعکاس آن به جامعه و آگاه کردن مردم، مانع از انحرافات، آسیب‌ها و خطرات احتمالی گردند (ر.ک: امینی، ۱۳۹۰).

شاید به جرأت بتوان گفت در کشورهای اسلامی ما وسیله‌ی ارتباطی جمعی به اهمیت صدا و سیما، که تجلی رسانه‌ی ملی است، نباشد. هر قدر اهمیت رسانه بیشتر و مخاطب آن افزون‌تر باشد میزان هنجارسازی و هنجارآفرینی آن بیشتر است. از همین رو است که رهبر انقلاب اسلامی تأکید می‌فرماید: «حضور روحانیون در صدا و سیما فقط به معنای سخنرانی و وعظ و خطابه نیست، بلکه باید حضوری عمیق‌تر و تأثیرگذارتر باشد و انجام این وظیفه‌ی مهم نیازمند مجموعه‌ای روحانی و مطلع از مسائل هنری به ویژه چگونگی بروز انحراف در این مسائل و آشنا با راه‌های جلوگیری از انحراف در جهت‌گیری‌های فرهنگی و هنری است. لازمه‌ی تشکیل چنین مجموعه‌ای از مشاوران روحانی صاحب نظر و آگاه و توانا در صدا و سیما، امکان اعمال نظر و جهت دهی صحیح در برنامه‌هاست» (پایگاه اطلاع رسانی رهبری، ۱۳۸۹/۸/۱).

رهبر فرزانه‌ی انقلاب در دیدار با جامعه‌ی مطبوعاتی کشور، درباره‌ی اهمیت و جایگاه مطبوعات در جامعه‌ی دینی مان می‌فرماید: «مطبوعات برای جمهوری اسلامی ایران مسأله‌ای تجملاتی و تشریفاتی نیست، بلکه مسأله‌ای اساسی است، زیرا این نظام برخلاف نظام‌های دیکتاتوری و سرمایه‌داری، نظامی مردمی است و در چنین نظامی، آگاهی و معرفت و مثل آب و هوا برای جامعه ضروری است. مردم در نظام اسلامی باید سرشار از معلومات و معرفت لازم و اهل تحلیل قوی باشند و در تحقق این هدف مهم، رسالت مطبوعات سالم با سلیقه‌ها و روش‌های متفاوت، اساسی و اجتناب‌ناپذیر است» (پایگاه اطلاع رسانی رهبری، ۱۳۷۵/۲/۱۳).

اهمیت رسانه‌های ارتباط جمعی، از صدا و سیما و مطبوعات گرفته تا

شبکه‌های اجتماعی مجازی و ارتباطات در فضای وب به حدی است که در صورت غفلت از نظارت درست و هدایت کارآمد، آسیب‌های جدی به ساختار فکری و ارزشی جامعه وارد می‌شود. همین امر نقش و رسالت نظارتی و هدایتی روحانیت را در این خصوص جدی‌تر می‌نماید.

پایگاه‌های مذهبی مردم نهاد

پایگاه‌های مردمی مذهبی از گسترده‌ترین بخش‌های جامعه‌ی دینی است که در جهان اسلام، به خصوص عالم تشیع، از بار عاطفی و احساسی ویژه‌ای برخوردار است. وجود این پایگاه‌های مردم نهاد از قبیل هیئات مذهبی، تکایا و مساجد فرصتی بی‌بدیل در اختیار هادیان اجتماعی قرار می‌دهد که در صورت ایجاد بسترهای لازم، هم از حیث جامعه‌پذیری گروه‌های هدف و هم از حیث برنامه‌ریزی هدفمند جهت هدایت صحیح این گروه‌ها، تأثیری شگرف در سامان دهی هنجاری جامعه خواهد داشت و در صورت عدم تمهیدات مذکور آسیب‌هایی جدی نهادهای اجتماعی دینی را تهدید خواهد کرد.

اگر تمام کارویژه‌های روحانیت و حوزه را در دو بخش کلی معرفتی و مهارتی خلاصه کنیم، رکن مهارتی هدایت نهادهای اجتماعی مربوط به مهارت دینداری است که باید بدان توجه ویژه نمود. اگر به آمارهای دقیق و علمی جامعه‌شناسان ایرانی دقت نماییم، درصد کسانی که ارزش‌های دینی را قبول ندارند و آنها را از اساس منکرند، بسیار کم و از نظر آماری گاهی قابل صرف نظر است و به همین میزان درصد کسانی که علیرغم قبول نظری ارزش‌های دینی، عملاً پای‌بند به آنها نیستند کم نیست و درصد بالایی از این دومی به خلأ کاربردی سازی مهارت‌های دینی و اخلاقی زیستن مربوط می‌شود.

«نتایج برخی مطالعات انجام گرفته در ایران نشان می‌دهد که افراد بسیاری ارزش‌های اخلاقی مذهبی را قبول دارند، اما کم‌تر به آن عمل می‌کنند. نتایج

تحقیقی که در سال ۱۳۷۳ انجام گرفت نشان داد ۹۸/۵ درصد دانش‌آموزان سال سوم و چهارم مناطق نوزده‌گانه‌ی شهر تهران نسبت به ارزش‌های مذکور گرایش مثبت دارند (طالی، ۱۳۷۳، ۲۳۹-۲۴۴).

نتایج تحقیق دیگری در سه منطقه‌ی شهر تهران پذیرش ارزش‌های اخلاقی توسط پاسخ‌گویان را تأیید نموده است. براساس نتایج این تحقیق ۹۹ درصد پاسخ‌گویان در حد متوسط به بالا به ارزش‌های اخلاقی انصاف، وفاداری، امانت‌داری و صداقت گرایش مثبت داشته‌اند (بیات، ۱۳۷۲، ۸۳-۹۷). نتایج بررسی‌های انجام گرفته در سطح شهرهای ایران و استان اصفهان نیز نشان می‌دهد بیش از ۹۵ درصد افرادی به ارزش‌های اخلاقی گرایش مثبت دارند. علیرغم وجود گرایش مثبت نسبت به ارزش‌های اخلاقی عدم پای‌بندی به آنها یکی از مسائل اصلی در جامعه می‌باشد. شواهد موجود نشان می‌دهد اکثریت افراد از نقض و فقدان چیزی که اکثریت قریب به اتفاق آن را قبول دارند ناراحت هستند. براساس مطالعات بیش از ۲۳ درصد پاسخ‌گویان هموطنان خود را راستگو می‌دانند. جوان‌ترها هموطنان خود را کم‌تر راستگو و پای‌بند اخلاق می‌دانند بیش از ۹۰ درصد پاسخ‌گویان هموطنان خود را کم و بیش دو رو می‌دانند. ۹۱/۳ درصد پاسخ‌گویان خود را کم و بیش منقلب می‌دانند (محسنی، ۱۳۷۵ و اسماعیلی، ۱۳۷۹) (توسلی، ۱۳۸۳، ۳).

بدین ترتیب هدایت برنامه‌های روحانیت به سمت الگوهای مهارتی می‌تواند آسیب‌های فوق را از طریق تزریق این الگوها به پایگاه‌های مذهبی، که محل تجمع آحاد اعضای جامعه‌ی دینی است، رفع نماید. به نظر می‌رسد همین نوع دغدغه‌ها رهبر معظم انقلاب را به سمت ایجاد توجه و تمرکز هادیان جامعه به موضوع «سبک زندگی اسلامی» سوق داده است.

رهبر انقلاب اسلامی در دیدار با جوانان پرشور خراسان شمالی ضمن

تشریح مفهوم سبک و فرهنگ زندگی و اشاره به مسائلی نظیر خانواده، ازدواج، نوع مسکن، نوع لباس، الگوی مصرف، تفریحات، کسب و کار و رفتارهای فردی و اجتماعی در محیط‌های مختلف می‌فرمایند: «در واقع سبک زندگی به همه‌ی مسائلی برمی‌گردد که متن زندگی انسان را شکل می‌دهند».

ایشان با اشاره به توجه عمیق اسلام به مفهوم سبک و فرهنگ زندگی می‌افزایند که در معارف اسلامی اصطلاح عقل معاش در مفهوم جامع خود مترادف سبک و فرهنگ زندگی است و در قرآن کریم نیز آیات فراوانی در این زمینه وجود دارد. معظم له با تأکید بر این که بدون پیشرفت در بخش حقیقی تمدن سازی نوین اسلامی یعنی «سبک و فرهنگ زندگی»، اهداف این تمدن بزرگ محقق نخواهد شد، اشاره می‌نمایند که متأسفانه ما در این بخش، پیشرفت چشم‌گیری نداشته و مثل علم و صنعت و نظایر آن پیشرفت نکرده‌ایم. رهبر انقلاب اسلامی، آسیب‌شناسی و علت‌یابی در زمینه‌ی عدم پیشرفت لازم در بخش سبک و فرهنگ زندگی را ضروری دانسته و با دعوت از اندیشمندان حوزه و دانشگاه، نخبگان سیاسی و فکری، دستگاه‌های مرتبط با فرهنگ و تعلیم و نیز جوانان اظهار می‌فرمایند که در این زمینه باید همه به خود نهیب بزنیم و ضمن تلاش جدی برای آسیب‌شناسی، به چاره جویی و جست و جوی راه‌های علاج بپردازیم (پایگاه اطلاع رسانی رهبری، ۱۳۹۱/۷/۲۳).

نتیجه‌گیری

هم حوزه و روحانیت و هم جامعه و نهادهای اجتماعی‌اش بر این امر وقوف و آگاهی دارند که در جامعه‌ی اسلامی در خصوص نحوه‌ی نقش و حضور اثربخش اصول، آرمان‌ها و ارزش‌های اسلامی جز از طریق هدایت و نظارت ارزش شناسان و هنجاربانان فرهنگ آشنا میسر نیست. معرفت‌شناسی دینی، ارزش شناسی دینی و هنجاربانی اجتماعی و فرهنگی در جامعه‌ی دینی وظیفه‌ی خطیر

روحانیت است. جامعه در نهادهای اجتماعی اش متبلور می‌شود و این نهادها همچون سیستم خون‌رسانی در بدن انسان، مواد فرهنگی و اخلاقی و هنجارهای اجتماعی را در کالبد جامعه پخش می‌نمایند؛ لذا نقش روحانیت و حوزه در مواجهه‌ی فعال، هم از حیث معرفتی و هم از حیث مهارتی با این مدخل‌های حیاتی اهمیت بسزایی دارد. در این جستار به رابطه‌ی روحانیت و شؤون آن نسبت به نهادهای آموزشی، رسانه‌ها و پایگاه‌های مذهبی مردم نهاد پرداخته شد و اهمیت و ضرورت برنامه‌ریزی هدف‌مند در حضور جدی این هادیان راستین اجتماعی جهت پیش‌بینی و کنترل عناصر و مؤلفه‌های سازنده‌ی فرهنگ و اخلاق و سبک زندگی اسلامی روشن گردید.

منابع و مأخذ

- ۱) ادیبی، حسین و انصاری، عبدالمعبود (۱۳۵۵)، نظریه‌های جامعه‌شناسی، تهران، انتشارات جامعه.
- ۲) دورکیم، امیل (۱۳۶۲)، قواعد روش جامعه‌شناسی، ترجمه‌ی علی محمد کاردان، چاپ سوم، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
- ۳) علی بابایی، یحیی (۱۳۷۸)، آیا دین یک نهاد اجتماعی است؟، نامه‌ی علوم اجتماعی، ش ۱۳.
- ۴) مندارس، هانری (۱۳۴۹)، مبانی جامعه‌شناسی، ترجمه‌ی پرهام، تهران، انتشارات امیرکبیر.
- ۵) خامنه‌ای، سید علی (۱۳۸۹)، سخنان در دیدار اعضای جامعه‌ی مدرسین حوزه‌ی علمیه قم، تهران، پایگاه اطلاع رسانی رهبری.
- ۶) خامنه‌ای، سید علی (۱۳۹۱)، سخنان در دیدار جوانان خراسان شمالی، تهران، پایگاه اطلاع رسانی رهبری.
- ۷) امینی، محمود رضا (۱۳۹۰)، رسانه و جهاد اقتصادی، در:

<http://www.rasaneh.org/NSite/FullStory/News/?Id=1913>

۸) بهمنش، ابراهیم (۱۳۸۲)، اصول آموزش و پرورش از منظر اسلام،

مدیریت نظامی، ش ۹ و ۱۰.

۹) آریان پور، ا.ح (۱۳۸۰)، آموزش و پرورش ایستا و آموزش و پرورش

پویا (عناصر آموزش و پرورش)، چیستا، ش ۱۸۰.

۱۰) طالبی، ابوتراب (۱۳۷۳)، بیگانگی اجتماعی، تهران، انتشارات معاونت

پژوهشی سازمان تبلیغات اسلامی.

۱۱) بیات، فریبرز (۱۳۷۲)، تأثیر عام گرایی بر اخلاق، پایان نامه کارشناسی

ارشد، به راهنمایی مسعود چلبی، تهران، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.

۱۲) محسنی، منوچهر (۱۳۷۵)، بررسی آگاهی‌ها، نگرش‌ها و رفتارهای

اجتماعی و فرهنگی در ایران، تهران، انتشارات دبیرخانه شورای فرهنگ

عمومی.

۱۳) اسماعیلی، رضا (۱۳۷۹)، بررسی اوضاع و ویژگی‌های فرهنگ عمومی

استان اصفهان، گزارش تحقیق، تهران، انتشارات اداره کل دبیرخانه

شورای فرهنگ عمومی.

۱۴) توسلی، غلامعباس و طالبی، ابوتراب (۱۳۸۳)، تعارض بین کنش‌های

اجتماعی و ارزش‌های اخلاقی نوجوانان، علوم انسانی دانشگاه

الزهراء ع، ش ۵۰.